

Research
Article

Diagnostic Analysis of Individuals with and without a Propensity for Addictive Substance Use

Leila Hefazi Torghabeh¹, Somayeh Fekriyan Arani²

Received: 2024/12/25

Accepted: 2025/04/26

Abstract

Objective: This study aimed to diagnostically analyze individuals with and without a tendency towards substance use based on their attachment styles, adverse childhood experiences, and suicidal ideation. **Method:** The research employed a descriptive, causal-comparative design. The study population comprised all students at Semnan University during the 2024-2025 academic year. Using an available sampling method, 205 students were selected. They were then divided into two groups—with and without a tendency towards substance use—based on their scores on a substance use inclination questionnaire. The research instruments included questionnaires on attachment styles, adverse childhood experiences, suicidal ideation, and substance use inclination. Discriminant analysis was used to analyze the data. **Results:** The results showed that attachment styles, adverse childhood experiences, and suicidal ideation were significant factors in distinguishing individuals with a tendency towards substance use from those without. The strongest predictive factors for a tendency towards substance use and for differentiating between the two groups were suicidal ideation and physical neglect. **Conclusion:** Individuals with a tendency towards substance use exhibit insecure attachment styles, adverse childhood experiences, and suicidal ideation. Understanding these relationships can lead to the design of more effective therapeutic interventions that not only focus on substance use but also address attachment styles, adverse childhood experiences, and the management and reduction of suicidal ideation.

Keywords: Substance use, Attachment, Adverse childhood experiences, Suicide

1. Corresponding Author: Ph.D. Student, Department of Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran. Email: Leila_Hefazi@semnan.ac.ir

2. MA, Department of Family Counseling, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

تحلیل تشخیصی افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور بر اساس سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی خودکشی

لیلا حفاظی طرقله^۱، سمیه فکریان آرائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به تحلیل تشخیصی افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور بر اساس سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی خودکشی پرداخت. **روش:** پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه این پژوهش شامل همه دانشجویان دانشگاه سمنان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بود که بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۵ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و بر اساس نمره گرایش به مصرف مواد اعتیادآور در دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی، ایده‌پردازی خودکشی و گرایش به مصرف مواد اعتیادآور بود. به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تمایز استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی خودکشی به طور معناداری توانستند افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور را از افراد بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تمایز دهند. قوی‌ترین عامل در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و تشخیص گروه افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور مربوط به متغیر ایده‌پردازی خودکشی و غفلت جسمی بود. **نتیجه‌گیری:** افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی خودکشی هستند. درک این روابط می‌تواند به طراحی مداخلات درمانی مؤثرتری منجر شود که نه تنها بر مصرف مواد اعتیادآور، بلکه بر سبک دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی، مدیریت و کاهش ایده‌پردازی خودکشی تمرکز داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: مواد اعتیادآور، دلبستگی، تجارب کودکی آسیب‌زا، خودکشی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. پست الکترونیک:

Leila_Hefazi@semnan.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، گروه مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

گرایش به اعتیاد^۱ یا به عبارتی دقیق‌تر مصرف مواد اعتیادآور یک پدیده اجتماعی فراگیر است که در دنیای امروز بسیاری از جوامع را درگیر کرده است (ارسلان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). میزان بالای شیوع مصرف مواد اعتیادآور و مواد روان‌گردان جدید شاهدهی بر این واقعیت می‌باشد. بنابراین، می‌توان اظهار داشت که مصرف مواد اعتیادآور جنبه‌های مختلف زندگی بشر امروزی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تهدید می‌کند (ترکمن و همکاران، ۱۴۰۱). در سال‌های اخیر، الگوی مصرف مواد اعتیادآور در میان جوانان دچار دگرگونی چشمگیری شده است. برخلاف گذشته که مصرف موادی هم‌چون تریاک در برخی فرهنگ‌ها و نسل‌های پیشین رواج داشت، امروزه مواد روان‌گردان مانند ماری‌جوانا (گل) و سیگار به عنوان انتخاب‌های محبوب در میان جوانان مطرح می‌باشند. این تغییر نه تنها از جنبه نوع ماده مصرفی، بلکه از منظر معنا و کارکرد اجتماعی آن نیز قابل تفسیر است. مصرف گل یا سیگار برای بسیاری از جوانان نه صرفاً یک رفتار پرخطر، بلکه نمادی از آزادی، استقلال فردی یا حتی نوعی اعتراض پنهان به هنجارهای اجتماعی تلقی می‌شود (میرزائی مقدم و همکاران، ۱۴۰۳). از یک‌سو، پیش‌آگهی و نرخ بهبودی افراد وابسته به مواد اعتیادآور اغلب نامطلوب است و این معضل هزینه‌های سنگینی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر دوش خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند (خسروانی و همکاران، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، مصرف مواد اعتیادآور یکی از چالش‌های مهم اجتماعی و شکلی از رفتارهای پرخطر در دوران نوجوانی و جوانی به شمار می‌آید، رفتاری که نه تنها سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های روانی عمیق در مصرف‌کنندگان شود (براهوئی و همکاران، ۱۴۰۲). در این راستا در زمینه اهمیت سبب‌شناسی اعتیاد، عوامل گوناگونی دخیل‌اند که در تعامل با یکدیگر، می‌توانند زمینه‌ساز آغاز مصرف مواد اعتیادآور و در نهایت وابستگی به آن‌ها شوند (سو و ین^۳، ۲۰۰۰).

در کار آزمایی های بالینی، مجموعه ای از عوامل به عنوان پیش بینی کننده های گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور مورد بررسی قرار گرفته اند. یکی از این عوامل تجارب آسیب زای کودکی^۱ است. اصطلاح تجارب آسیب زای کودکی به شکل کلی برای توصیف انواع کودک آزاری شامل غفلت جسمی، غفلت عاطفی، آزار جسمی، آزار جنسی، آزار عاطفی و اخیراً خشونت خانوادگی به کار می رود (حسینی و سلیمانی، ۲۰۲۱). این تجارب با افزایش تکانشگری و کاهش توانایی مغز در بازداری هیجان ها و رفتارهای منفی پرخطری مانند مصرف مواد اعتیاد آور، رفتارهای خود آسیب رسان^۲ و اقدام به خودکشی^۳ را افزایش می دهند (وینگنفلد^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). هم چنین افرادی که در کودکی با سوءاستفاده و رویدادهای منفی بیشتری مواجه بوده اند، اغلب مشکلاتی در اعتماد، دلبستگی ایمن و عزت نفس نشان می دهند (لرزنگنه و عیسی زادگان، ۲۰۲۲؛ درودی و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات متعدد نیز ارتباط میان تجارب آسیب زای کودکی و مصرف مواد اعتیاد آور در جوانی و بزرگسالی را تأیید کرده اند (نیا^۵ و همکاران، ۲۰۲۳؛ کیفر^۶ و همکاران، ۲۰۲۲؛ داوسن رز^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). به طور خاص، آزار جسمی، آزار جنسی و بی توجهی جسمی و عاطفی از عوامل کلیدی در افزایش گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور محسوب می شوند (هافمن^۸ و همکاران، ۲۰۲۲).

در شکل گیری گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور، سبک های دلبستگی^۹ یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار می باشد (نخول^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰). براساس نظریه های روان تحلیلی و رفتاری، احساس محبت و امنیت ناشی از دلبستگی ایمن به رشد روان شناختی کمک می کنند (راویتز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۰). کیفیت دلبستگی ایمن اغلب تحت تاثیر تجارب مطلوب یا نامطلوب کودکی شکل می گیرد (سیمارد^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۱). افراد با دلبستگی ایمن، دیدگاه مثبتی نسبت به خود و دیگران دارند و در روابط صمیمی احساس

1. traumatic childhood experiences
2. self-injurious behaviors
3. suicide
4. Wingenfeld
5. Nia
6. Kiefer

7. DawsonRose
8. Hoffmann
9. attachment styles
10. Nakhoul
11. Ravitz
12. Simard

راحتی می کنند (میکولینسر و شیور^۱، ۲۰۱۹؛ نوروزی و نجفی، ۱۴۰۲). در مقابل دللستگی ناایمن دوسوگرا با تعارض های هیجانی و عدم تعادل عاطفی همراه است و این افراد بین نیاز به روابط نزدیک و ناامنی در پاسخگویی دیگران در تعارض هستند (کلی^۲، ۲۰۱۸؛ نخول و همکاران، ۲۰۲۰؛ رحمانی و همکاران، ۲۰۱۹). هم چنین افراد با دللستگی اجتنابی تمایل به دوری از صمیمیت و تأکید بر خودمختاری دارند و معمولاً نیاز به روابط نزدیک را انکار می کنند (جیائو^۳، ۲۰۲۲؛ کلی، ۲۰۱۸؛ جانسون^۴، ۲۰۲۲). پژوهش ها نشان داده اند که دللستگی دوسوگرا و اجتنابی ارتباط مثبتی با نگرش نسبت به مواد اعتیادآور و آمادگی برای اعتیاد دارند (حامدنیا و همکاران، ۱۳۹۶؛ نخول و همکاران، ۲۰۲۰). به علاوه، بزرگسالان با دللستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی معمولاً با عدم تعادل هیجانی و تعارض های بیشتری مواجه هستند که ریسک رفتارهای پرخطر را توجیه می کند (کلی، ۲۰۱۸). در واقع دللستگی ایمن به عنوان یک عامل محافظتی در برابر اعتیاد به الکل و سیگار شناخته شده است (نخول و همکاران، ۲۰۲۰).

ایده پردازی های خودکشی^۵ یکی دیگر از عوامل کلیدی مرتبط با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور است. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت^۶، خودکشی دومین علت مرگ و میر در میان افراد ۱۵ تا ۲۴ سال است (ارلانگسن^۷ و همکاران، ۲۰۲۴؛ لپسون^۸ و همکاران، ۲۰۱۹). این پدیده یک فرایند چندمرحله ای شامل بروز افکار خودکشی، برنامه ریزی، اقدام عملی و نهایتاً مرگ است (وانگ^۹ و همکاران، ۲۰۱۹). شیوع ایده پردازی های خودکشی در جوانان بین ۰/۱۲ تا ۲۹/۹ درصد گزارش شده است (مک لافلین^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۵). این ایده پردازی ها معمولاً با احساس ناامیدی شدید همراه هستند و به عنوان شاخص پیش بینی کننده قوی برای رفتارهای خودکشی محسوب می شوند (برنهام^{۱۱}، ۲۰۱۱). ایده پردازی های خودکشی می توانند به طور غیرمستقیم گرایش به مصرف مواد اعتیادآور

۱۸۵

185

سال هجدهم، شماره ۷۴، زمستان ۱۴۰۳
Vol. 18, No. 74, Winter 2025

1. Mikulincer & Shaver
2. Kelly
3. Jiao
4. Johnson
5. suicidal ideation
6. Word Health Organization

7. Erlangsen
8. Lipson
9. Wang
10. McLoughlin
11. Burnham

را تقویت کنند. مطالعات نشان می‌دهند که جوانان ممکن است از مصرف مواد اعتیادآور به‌عنوان راهکاری مقابله‌ای برای کاهش اضطراب و مدیریت احساسات ناشی از افکار خودکشی استفاده کنند. این ارتباط پیچیده اهمیت مداخلات هدفمند برای کاهش ناامیدی و حمایت روان‌شناختی در این گروه سنی را برجسته می‌کند (هیره^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). تحقیقات نشان داده‌اند که علاوه بر مصرف مواد اعتیادآور، دلبستگی ناایمن نیز نقش اساسی در ایجاد این روابط ایفا می‌کند. نوجوانانی که دلبستگی دوسوگرا یا اجتنابی دارند، به دلیل ترس از طرد شدن، مشکلات در برقراری روابط پایدار و ناتوانی در تنظیم هیجانات خود، بیشتر در معرض افکار خودکشی قرار دارند (ساعتچی و همکاران، ۲۰۲۴).

با توجه به مطالب بیان شده عوامل پیچیده‌ای در ایجاد و گسترش رفتارهای پرخطر در افراد نقش دارند. جوانانی که دارای دلبستگی ناایمن هستند، بیشتر در معرض خطر ابتلا به مشکلات روانی مانند افسردگی و ایده‌پردازی خودکشی قرار دارند و این مشکلات می‌تواند زمینه‌ساز مصرف مواد اعتیادآور به‌عنوان مکانیسمی برای مقابله با دردهای عاطفی شوند. تجارب آسیب‌زای کودکی نیز به ویژه در شکل‌گیری الگوهای منفی از دلبستگی و افزایش گرایش به رفتارهای پرخطر نظیر مصرف مواد اعتیادآور و خودکشی موثر هستند. بنابراین با توجه به شواهد پژوهشی موجود، تاکنون مطالعه جامعی که به‌طور مشخص تعامل این سه عامل (سبک دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی‌های خودکشی) را در فهم دلایل گرایش به مصرف مواد اعتیادآور مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده است. لذا، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ علمی به بررسی مقایسه‌ای این روابط می‌پردازد. در این راستا سوال اصلی پژوهش این است که آیا می‌توان بر اساس متغیرهای سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و افکار خودکشی افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور را از همدیگر تشخیص داد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه سمنان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بود که بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۵ نفر با توجه به ملاک‌های ورود به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و لینک پرسشنامه‌ها در گروه‌های مجازی دانشجویان گذاشته شد. دانشجویان بر اساس نمرات گرایش به مصرف مواد اعتیادآور به دو گروه تقسیم شدند. ۲۵ درصد کسانی که بالاترین نمره را در متغیر گرایش به مصرف مواد اعتیادآور دریافت کردند با عنوان گروه گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و ۲۵ درصد کسانی که پایین‌ترین نمره را دریافت کردند با عنوان گروه بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور در نظر گرفته شدند؛ به عبارتی برای هر گروه ۵۱ نفر در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل قرار داشتن در بازه سنی ۱۸ تا ۴۴ سال، تمایل به همکاری در پژوهش و رضایت آگاهانه بود. ملاک‌های خروج شامل ابتلا به اختلالات روانی و جسمی (بر اساس خودگزارشی) و عدم تکمیل کامل یا ارائه اطلاعات ناقص بود. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، پرسشنامه‌ها بدون نام بودند و پاسخ به سوالات به‌صورت داوطلبانه بود. شرکت‌کنندگان این امکان را داشتند که در صورت عدم تمایل به ادامه همکاری، از تکمیل پرسشنامه‌ها انصراف دهند. در نهایت، پس از جمع‌آوری تمام داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق تحلیل تمایز با استفاده از نرم‌افزار SPSS²⁶ انجام شد.

ابزار

۱- پرسشنامه تجارب آسیب‌زای کودکی^۱: پرسشنامه تجارب آسیب‌زای کودکی توسط برنشتاین^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۳ و به منظور ارزیابی تجارب آسیب‌زای کودکی در ابعاد مختلف طراحی شده است که شامل ۲۸ سؤال است. این مقیاس به پنج مؤلفه سوءاستفاده عاطفی، فیزیکی، جنسی، غفلت عاطفی و جسمی تقسیم می‌شود. نمره‌گذاری

این پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای انجام می‌شود که مقادیر آن از "هرگز" (۱) تا "تقریباً همیشه" (۵) تنظیم شده است. سازندگان این پرسشنامه آلفای کرونباخ را بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند و روایی همزمان آن با مقیاس درجه‌بندی درمان‌گران در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ قرار دارد (برنشتاین و همکاران، ۲۰۰۳). در ایران، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۴ به دست آمده است. همچنین، روایی همگرای آن با مقیاس اختلال اضطراب فراگیر بررسی شده است که ضریب همبستگی معنادار ۰/۷۲ در سطح ۰/۰۱ به دست آمده است (شفیعی و همکاران، ۱۴۰۰). در این پژوهش، آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۳ گزارش شده است.

۲- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی^۱: این پرسشنامه که توسط هازن و شیور^۲ در سال ۱۹۸۷ طراحی شده است، شامل ۱۵ سؤال می‌باشد و به ارزیابی سه سبک دلبستگی ایمن، ناایمن دوسوگرا و ناایمن اجتنابی در بزرگسالان می‌پردازد. هر سبک دلبستگی از پنج گویه تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت از "هرگز" (نمره ۰) تا "تقریباً همیشه" (نمره ۴) انجام می‌شود. نمرات هر خرده‌مقیاس از میانگین پنج سؤال در هر سبک محاسبه می‌گردد. بر اساس تحلیل عاملی پرسشنامه هازن و شیور (۱۹۸۷) توسط کولینز و رید^۳ (۱۹۹۰)، سه عامل عمده دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا استخراج شد که به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر گردیده‌اند. پایایی بازآزمایی این پرسشنامه توسط هازن و شیور ۰/۸۱ و پایایی آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش شده است. همچنین، روایی صوری و محتوایی این ابزار توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) خوب ارزیابی شده و روایی سازه آن در حد بسیار مطلوب بوده است. در ایران، مطالعه‌ای توسط مودنی و همکاران (۱۳۹۳) روی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در اصفهان انجام شد که در آن آلفای کرونباخ سبک‌های دلبستگی ایمن، ناایمن دوسوگرا و ناایمن اجتنابی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۳ و ۰/۶۵ گزارش شده است. در

پژوهش حاضر آلفای کرونباخ سبک‌های دل‌بستگی ایمن، نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابی به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۵۷ و ۰/۹۱ به دست آمد.

۳- پرسشنامه ایده‌پردازی خودکشی^۱: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۸ توسط بک^۲ و همکاران طراحی شد و به منظور ارزیابی نگرش‌ها، افکار و برنامه‌ریزی‌های مربوط به خودکشی به کار می‌رود. این ابزار شامل ۱۹ سوال است و به سه بخش اصلی غربالگری افکار خودکشی، ارزیابی افکار خودکشی و ارزیابی آمادگی و قصد اقدام به خودکشی تقسیم می‌شود. نمره کل این پرسشنامه از ۰ تا ۳۸ متغیر است و بر اساس مقیاس سه گزینه‌ای «مخالقم» (۰)، «نسبتاً موافقم» (۱) و «موافقم» (۲) نمره‌گذاری می‌شود. بک و همکاران (۱۹۸۸) در تحقیقات اولیه، روایی همگرایی آن را با استفاده از همبستگی این مقیاس با مقیاس هامیلتون ۰/۷۳ و اعتبار آن را با روش بازآزمایی ۰/۹۱ گزارش کردند. همچنین، همسانی درونی این ابزار ۰/۹۱ بود. در پژوهش اقدامی و فولادچنگ (۱۴۰۱)، تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که شاخص ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین^۳ برای مدل این پرسشنامه ۰/۰۴ با فاصله اطمینان ۹۰ درصد بین ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۵ است. سایر شاخص‌های برازش نیز تأیید کردند که مدل با داده‌ها به خوبی انطباق دارد. پایایی ابزار نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

۴- مقیاس گرایش به مصرف مواد اعتیادآور^۴: این مقیاس توسط میرحسامی (۱۳۸۸) طراحی شد و با استفاده از تحقیقات فرجاد (۱۳۸۵)، جهت بررسی میزان تمایل به مصرف مواد اعتیادآور مورد بررسی قرار گرفته است. دارای ۱۶ سوال است و سه بعد محیطی، فردی و اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهد. طیف پاسخ دهی به صورت طیف لیکرت از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) می‌باشد و توجه به این نکته ضروری است که سوالات ۴، ۹، ۱۱، ۱۴ و ۱۶ نمره‌گذاری معکوس دارند و نمره در بازه ۱۶ تا ۸۰ بوده و هر چه این

امتیاز بالاتر باشد، بیان‌گر میزان تمایل بیشتر شخص پاسخ دهنده به اعتیاد خواهد بود. آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش میرحسامی (۱۳۸۸) در نمونه دانشجویان ۰/۷۹ گزارش شده است و برای خرده مقیاس محیطی، فردی و اجتماعی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۶۸ و ۰/۷۰ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در این پژوهش برای کل مقیاس ۰/۹۵ و برای زیر مقیاس‌های محیطی، فردی و اجتماعی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۱ و ۰/۹۴ به دست آمد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر نتایج در سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی با استفاده از روش تحلیل تشخیص به دست آمد و در دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به هر کدام یک از متغیرهای پژوهش به تفکیک سطوح متغیر گروه (گرایش به مصرف مواد اعتیادآور) گزارش شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای مستقل پژوهش به تفکیک گروه

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد		
۵۱	۱۵/۷۶	۲/۴۵	سوء استفاده عاطفی	بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور
۵۱	۱۶/۱۸	۲/۷۵	سوء استفاده فیزیکی	
۵۱	۱۵/۲۷	۳/۵۸	سوء استفاده جنسی	
۵۱	۱۶/۰۴	۲/۲۹	غفلت عاطفی	
۵۱	۱۵/۸۸	۲/۹۶	غفلت جسمی	
۵۱	۴/۲۰	۲/۹۷	دلبستگی نایمن اجتنابی	
۵۱	۳/۵۱	۲/۶۰	دلبستگی ایمن	
۵۱	۶/۵۳	۳/۹۰	دلبستگی نایمن دوسوگرا	
۵۱	۲/۰۰	۲/۲۱	ایده پردازی‌های خودکشی	با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور
۵۱	۶/۵۷	۴/۵۷	سوء استفاده عاطفی	
۵۱	۵/۸۴	۵/۱۱	سوء استفاده فیزیکی	
۵۱	۵/۵۹	۴/۸۰	سوء استفاده جنسی	
۵۱	۵/۸۴	۵/۳۷	غفلت عاطفی	
۵۱	۵/۵۹	۴/۵۷	غفلت جسمی	
۵۱	۱۴/۳۹	۴/۹۵	دلبستگی نایمن اجتنابی	
۵۱	۱۴/۲۰	۴/۹۰	دلبستگی ایمن	
۵۱	۱۱/۰۲	۴/۳۴	دلبستگی نایمن دوسوگرا	
۵۱	۲۴/۲۲	۹/۹۶	ایده پردازی‌های خودکشی	

مندرجات جدول ۱ بیانگر این است ترکیب خطی متغیرهای تجارب آسیب‌زای کودکی، سبک دلبستگی و ایده پردازی-های خودکشی می‌تواند گرایش به مصرف مواد اعتیادآور را پیش‌بینی کند و برای آزمودن این فرضیه از روش تحلیل تشخیصی استفاده شده است. روش تحلیل تشخیصی مبتنی بر تجزیه و تحلیل تفاوت میانگین نمرات در گروه‌ها یا به عبارت دقیق‌تر روش تحلیل واریانس است. در گام اول به بررسی مفروضه‌های اجرای روش تحلیل تشخیصی پرداخته شده است. بررسی‌های انجام شده با استفاده از نمرات استاندارد شده حاکی از آن است که هیچ داده پرت شناسایی نشده است و با توجه به این که هیچ کدام یک از شاخص‌های کجی و کشیدگی مربوط به متغیرهای پژوهش خارج از بازه $1/96-1/96+1/96$ قرار ندارد، می‌توان گفت مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش برقرار است. مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس متغیرهای پژوهش، با استفاده از آزمون ام‌باکس مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن با توجه به سطح معناداری آماره آن که $0/0001$ است، حاکی از عدم برقراری این مفروضه است. با این حال نتایج تحلیل تشخیصی با توجه به یکسان بودن حجم گروه‌ها، در برابر نقض این مفروضه بسیار مقاوم است و از تخطی آن چشم‌پوشی شده است.

جدول ۲: آزمون همگنی نمرات متغیرهای مستقل در بین دو گروه

متغیر	لامبدای ویلکز	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
سوء استفاده عاطفی	۰/۳۸	۱۶۰/۴۹	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
سوء استفاده فیزیکی	۰/۳۸	۱۶۱/۶۷	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
سوء استفاده جنسی	۰/۴۳	۱۳۳/۱۸	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
غفلت عاطفی	۰/۳۹	۱۵۵/۵۱	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
غفلت جسمی	۰/۳۵	۱۸۲/۳۸	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
دلبستگی ناایمن اجتنابی	۰/۳۹	۱۵۹/۱۰	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
دلبستگی ایمن	۰/۳۵	۱۸۹/۲۴	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۰/۷۷	۳۰/۲۵	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱
ایده‌پردازی‌های خودکشی	۰/۲۹	۲۴۱/۶۲	۱	۱۰۰	۰/۰۰۰۱

در جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری گزارش شده است و همان‌طور که نتایج سطح معناداری آماره لامبدای ویلکز نشان می‌دهد نمرات گروه‌های با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور در سطح تمام متغیرهای پژوهش تفاوت معناداری در سطح $0/0001$ دارند و تابع تمیز به‌دست آمده از قدرت تشخیص خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته برخوردار است. در بین مؤلفه‌های مختلف، ایده‌پردازی‌های خودکشی با آماره F برابر با $241/62$ بیشترین تفاوت میانگین و دل‌بستگی نایمن دوسوگرا با آماره F برابر با $30/25$ کمترین تفاوت میانگین نمرات را در دو گروه داشته‌اند. بنابراین یافته‌های پژوهش نشان داد بین تجارب آسیب‌زای کودکی، سبک‌های دل‌بستگی و ایده‌پردازی‌های خودکشی با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور در دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تفاوت معنادار وجود دارد که در این بین ایده‌پردازی‌های خودکشی بیشترین تفاوت معنادار را دارا می‌باشد.

جدول ۳: مقادیر ویژه و لامبدای ویلکز برای قدرت تمیز تابع تشخیصی

تابع	مقدار ویژه	درصد واریانس	همبستگی متعارف	لامبدای ویلکز	مجذور خی	درجه آزادی	معناداری
۱	۲/۹۶	۱۰۰/۰	۰/۸۷	۰/۲۵	۱۳۱/۸۴	۹	۰/۰۰۰۱

در جدول ۳ نتایج مربوط به مقدار ویژه به‌منظور بررسی قدرت تمیز میان گروه‌ها گزارش شده است. هرچه مقدار ویژه گزارش شده بزرگ‌تر باشد، نشان‌دهنده قدرت تمیز و تشخیص بهتر در میان گروه‌ها است و واریانس بیشتری از متغیر وابسته به‌وسیله ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است. با توجه به این که در پژوهش حاضر متغیر وابسته دارای دو سطح است (گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و عدم گرایش به مصرف مواد اعتیادآور)، بنابراین تنها یک تابع تشخیص وجود دارد که مقدار ویژه آن برابر با $2/96$ است که با توجه به سطح معناداری لامبدای ویلکز می‌توان گفت مقدار ویژه تابع تشخیص پژوهش معنادار بوده است.

جدول ۴: ضرایب استاندارد شده تابع تشخیصی متعارف، ماتریس ساختاری و میانگین مقدار تابع تشخیصی

ضرایب تابع تشخیصی متعارف استاندارد شده		ماتریس ساختاری		میانگین مقدار تابع تشخیصی	
متغیر	تابع ۱	متغیر	تابع ۱	گروه	تابع ۱
سوء استفاده عاطفی	-۰/۱۰	ایده پردازی های خودکشی	۰/۹۰	بدون	
سوء استفاده فیزیکی	۰/۲۰	دل بستگی ایمن	۰/۸۰	گرایش به	
سوء استفاده جنسی	۰/۰۷	غفلت جسمی	-۰/۷۸	مصرف	-۱/۷۱
غفلت عاطفی	۰/۱۵	سوء استفاده فیزیکی	-۰/۷۴	مواد	
غفلت جسمی	-۰/۴۳	سوء استفاده عاطفی	-۰/۷۴	اعتیاد آور	
دل بستگی نایمن اجتنابی	۰/۲۵	دل بستگی نایمن اجتنابی	۰/۷۳	با گرایش	
دل بستگی ایمن	۰/۰۴	غفلت عاطفی	-۰/۷۲	به مصرف	۱/۷۱
دل بستگی نایمن دوسوگرا	۰/۲۳	سو استفاده جنسی	-۰/۶۷	مواد	
ایده پردازی های خودکشی	۰/۶۸	دل بستگی نایمن دوسوگرا	۰/۳۲	اعتیاد آور	

در بخشی از جدول ۴ مقادیر ضرایب تابع تشخیصی متعارف استاندارد شده گزارش شده است که مشابه وزن های استاندارد شده (ضرایب بتا) در رگرسیون چندگانه است و می تواند اهمیت نسبی هر کدام یک از متغیرهای مستقل پژوهش را در پیش بینی متغیر وابسته (گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور و عدم گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور) نشان دهند. نتایج گزارش شده حاکی از آن است که متغیرهای ایده پردازی های خودکشی و غفلت جسمی با اختلاف کمی در ضرایب گزارش شده، بیشترین سهم را در پیش بینی متغیر وابسته و تشخیص گروه افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیاد آور دارند. در بخش ماتریس ساختاری، جدول ۴ همبستگی ساده هر متغیر با تابع تشخیص را نشان می دهد که به ترتیب از بیشترین همبستگی مرتب شده است. نتایج آن نشان می دهد که افکار خودکشی بیشترین مشارکت را در تمایز دو گروه بر اساس تابع تشخیص دارد. در بخش دیگر جدول ۴ میانگین مقدار تابع تشخیص گزارش شده است که با توجه به مثبت و منفی شدن آن در گروه با گرایش به مصرف مواد

اعتیادآور و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور می توان گفت که متغیرهای مستقل توانایی تمایز بخشیدن میان گروه با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور را دارند. بنابراین بر اساس جدول ۴، یافته های پژوهش نشان داد ایده پردازی های خودکشی و غفلت جسمانی بیشترین نقش پیش بینی کنندگی را در گرایش به مصرف مواد اعتیادآور دارد. هم چنین ایده پردازی های خودکشی و غفلت جسمانی بیشترین قدرت تشخیصی را در تمایز افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور دارند.

جدول ۵: مقایسه عضویت گروهی اولیه و عضویت گروهی پیش بینی شده بر اساس متغیرهای مستقل

گروه	عضویت گروهی پیش بینی شده		کل
	با گرایش	بدون گرایش	
عضویت	با گرایش	۴۳	۵۱
تعداد	بدون گرایش	۰	۵۱
گروهی	با گرایش	۸۴/۳	۱۰۰/۰
اولیه	بدون گرایش	۰	۱۰۰/۰
درصد	با گرایش	۱۵/۷	۱۰۰/۰
	بدون گرایش	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

نتایج جدول ۵ نیز یافته های مربوط به تمایز دو گروه پژوهش بر اساس متغیرهای تجارب آسیب زای کودکی، سبک های دلبستگی و افکار خودکشی را نشان می دهد. نتایج جدول نشان می دهد که بر اساس ترکیب خطی متغیرهای مستقل پژوهش، از میان ۵۱ نفر در گروه با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور، ۴۳ نفر (۸۴/۳ درصد) به درستی به عنوان افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تشخیص داده شده اند و تمام ۵۱ نفر افراد بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور، به درستی به عنوان افراد بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تشخیص داده شده اند. به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده می توان گفت متغیرهای مستقل پژوهش با ۹۲/۲ درصد درستی می توانند افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور و افراد بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور را پیش بینی کنند. این یافته پژوهش نشان داد بین تجارب آسیب زای کودکی، سبک های دلبستگی و ایده پردازی های خودکشی با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور در دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور رابطه معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تفاوت بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی‌های خودکشی در افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور بود. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی‌های خودکشی در افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تفاوت معناداری وجود دارد. اولین یافته پژوهش نشان داد که در عامل سبک‌های دلبستگی بین دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تفاوت معناداری وجود دارد که با یافته‌های هیره و همکاران (۲۰۲۴)، نخول و همکاران (۲۰۲۰)، جمشیدی خانیمنی و همکاران (۱۴۰۲)، رحمانی و همکاران (۲۰۱۹) و حامدینا و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور رابطه دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک دلبستگی اجتنابی در نوجوانان با مشکلات برونی‌سازی از جمله تکانشگری و علائم اختلال سلوک مرتبط است که می‌تواند احتمال مواجهه نوجوانان با زمینه‌های مصرف مواد اعتیادآور را افزایش دهد (شیندلر و برونینگ^۱، ۲۰۱۵). دلبستگی اجتنابی در نوجوانان هم‌چنین با بی‌اعتمادی به والدین و تردید در جستجو و اتکا به والدین برای حمایت و راهنمایی مرتبط است و در نتیجه فرصت‌های نظارت والدین را کاهش می‌دهد (فالجارس^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). به عبارتی دیگر، افراد با سبک دلبستگی ناایمن از طریق ایجاد زنجیره‌ای از تعاملات اجتماعی با همسالان پرخطر ریسک آسیب‌پذیری نسبت به مواد اعتیادآور را در خود افزایش می‌دهند (هیره و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع افراد با سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا به والدین خود اعتماد نمی‌کنند و از حمایت و راهنمایی اجتناب می‌کنند و این افراد به دلیل تمایل به استقلال‌طلبی افراطی، بیشتر در معرض محیط‌هایی هستند که مصرف مواد اعتیادآور در آن رایج است. هم‌چنین این افراد با مشکلاتی در تنظیم هیجانات مواجه می‌باشند که ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها می‌تواند منجر به استفاده از مواد به‌عنوان یک استراتژی مقابله‌ای شود.

۱۹۵

195

سال هجدهم، شماره ۷۴، زمستان ۱۴۰۳
Vol. 18, No. 74, Winter 2025

هم چنین نتایج نشان داد که در مولفه تجارب آسیب‌زای کودک‌کی بین دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تفاوت معناداری وجود دارد که با یافته‌های نیا و همکاران (۲۰۲۳)، کیفر و همکاران (۲۰۲۲)، هافمن و همکاران (۲۰۲۲)، محمدزاده و همکاران (۱۴۰۲) و مرادزاده و نجفی (۱۴۰۱) همسو است. این پژوهش‌ها نشان‌گر رابطه بین ابعاد تجارب آسیب‌زای کودک‌کی (غفلت عاطفی و جسمی، سوءاستفاده جسمی، جنسی و عاطفی) و مصرف مواد اعتیادآور است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تجارب آسیب‌زای کودک‌کی به ویژه با مراقبین، محیطی را ایجاد می‌کند که احساسات و عواطف کودک را بی‌اعتبار کرده است (مدانلو و نجفی، ۱۴۰۲) و کودک در این فضای ناامن از راهبردهای ناسازگار مانند سرکوب و یا جلوگیری از احساسات منفی استفاده می‌کند که ممکن است در بزرگسالی منجر به مصرف مواد اعتیادآور گردد (نیا و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین احساسات ناسازگار ناشی از آسیب‌های دوران کودک‌کی باعث آسیب‌پذیری در برابر اعتیاد در مراحل بعدی زندگی می‌شود. حوادث آسیب‌زایی که در دوران کودک‌کی تجربه می‌شود، به عنوان علل اعتیاد در دوران جوانی و بزرگسالی شناخته شده‌اند و سبب تمایل فرد به مصرف مواد و خشونت می‌شود (لوتزین^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع افرادی که تجربه ترومای شدید دارند، با مشکلات بیشتر روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی مواجه می‌شوند (حفاظی طریقه و نجفی، ۱۴۰۳). این مشکلات می‌توانند فرد را به سوی استفاده از مواد اعتیادآور به عنوان یک روش مقابله‌ای برای کاهش علائم روان‌شناختی سوق دهند.

در نهایت نتایج نشان داد که در مولفه افکار خودکشی بین دو گروه با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور تفاوت معناداری وجود دارد که با یافته‌های پژوهش هیره و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که افراد با دلبستگی ناایمن بیشتر در معرض مشکلات عاطفی هم‌چون افسردگی و خودکشی هستند و این مشکلات می‌توانند فرد را به سوی مصرف مواد اعتیادآور سوق دهند. به عبارت دیگر، گرایش به مصرف مواد اعتیادآور در جوانان می‌تواند به عنوان یک مکانیسم مقابله‌ای برای

مدیریت اضطراب و افکار خودکشی عمل کند (هیره و همکاران، ۲۰۲۴). در تبیین این یافته می‌توان گفت که طبق نظریه تنظیم هیجان گراس^۱ (۱۹۹۸) افرادی که توانایی تنظیم هیجانات منفی خود را ندارند، ممکن است به راهبردهای ناسازگارانه مانند مصرف مواد اعتیادآور متوسل شوند تا از احساسات ناخوشایند خود فرار کنند. هم‌چنین مطالعات نشان داده‌اند که مصرف مواد اعتیادآور باعث دستیابی به نوعی بی‌حسی هیجانی در افراد می‌شود و در چارچوب فرضیه خود درمانی افراد اغلب برای کاهش استرس یا هیجانات ناخوشایند به مصرف مواد اعتیادآور روی می‌آورند (اگاساوارا^۲ و همکاران، ۲۰۰۰). هم‌چنین احساس حقارت و پوچی که از عوامل خطر برای مصرف مواد است (عامری و نجفی، ۱۴۰۳)، زمینه ساز افکار خودکشی می‌باشد که در مجموع این عوامل این افراد به دلیل مشکلات در تنظیم هیجانات منفی مانند ناامیدی، خشم و غم شدید و پوچی در معرض خطر بیشتری برای اتخاذ راهبردهای ناسازگارانه مانند مصرف مواد اعتیادآور قرار دارند (حفاظی طرقله و نجفی، ۲۰۲۵). مصرف مواد اعتیادآور به این افراد کمک می‌کند تا به طور موقت احساسات منفی خود را کاهش دهند و به حالتی از خاموشی هیجانی دست یابند. این مسئله نه تنها به تداوم الگوهای رفتاری ناسالم می‌انجامد، بلکه خطر افکار و رفتارهای خودکشی را افزایش می‌دهد.

در این پژوهش، به تحلیل تشخیصی افراد با و بدون گرایش به مصرف مواد اعتیادآور براساس سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای کودکی و ایده‌پردازی‌های خودکشی پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که افراد با گرایش به مصرف مواد اعتیادآور معمولاً از سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردار می‌باشند. این تحقیق تأکید دارد که درک روابط میان تجارب اولیه زندگی، سبک‌های دلبستگی، ایده‌پردازی‌های خودکشی و مصرف مواد اعتیادآور می‌تواند به طراحی مداخلات درمانی مؤثرتری کمک کند که بر کاهش مصرف مواد اعتیادآور و مدیریت افکار و ایده‌پردازی‌های خودکشی تمرکز داشته باشد. این پژوهش محدودیت‌هایی را دارا بود. یکی از محدودیت‌های این پژوهش، استفاده صرف از پرسش‌نامه و اجرای آن تنها بر روی دانشجویان دانشگاه سمنان

بوده است. پیشنهاد می‌شود که این پرسش‌نامه‌ها در سایر دانشگاه‌ها نیز اجرا شوند تا امکان بررسی و مقایسه نتایج فراهم گردد. هم‌چنین، در تحقیقات آینده می‌توان از ابزارهای ترکیبی کمی و کیفی برای بهبود دقت و جامعیت داده‌ها استفاده کرد. تکرار پژوهش با نمونه‌های بزرگ‌تر و کنترل‌شده‌تر نیز می‌تواند به ارزیابی بهتر نتایج کمک کند. بررسی سبک‌های دلبستگی، تجارب آسیب‌زای زندگی و ایده‌پردازی‌های خودکشی در مقایسه با متغیرهای دیگر و کنترل عوامل مداخله‌گر و میانجی در فرآیند پژوهش نیز پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این، با توجه به این که پژوهش صرفاً مبتنی بر پرسش‌نامه بوده است، لازم است در تفسیر اطلاعات با دقت و احتیاط عمل شود.

منابع

- اقدامی، زهرا و فولادچنگ، محبوبه (۱۴۰۱). پیش‌بینی افکار خودکشی بر اساس کنترل روانشناختی والدین: نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی. *مجله روانشناسی*، ۲۶(۱)، ۱۱-۱.
- براهوئی، سائره؛ نجفی، محمود و طالع پسند، سیاوش (۱۴۰۲). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس تحول مثبت نوجوانی و سرمایه‌های روان‌شناختی مثبت در نوجوانان. *فصلنامه علمی/اعتیادپژوهی*، ۱۷(۶۹)، ۲۴۵-۲۷۰.
- ترکمن، مهدیس؛ داودی، اعظم؛ نظیری، قاسم و فتح، نجمه (۱۴۰۱). رابطه بین ترومای کودکی با گرایش به سوء مصرف مواد مخدر با توجه به نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی و نشخوار فکری در افراد با اختلال استرس پس از سانحه. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۷(۶۸)، ۸۰-۹۱.
- جمشیدی خانیمنی، فرزاد؛ جمشیدی خانیمنی، راضیه و حسن شاهی، محمد مهدی (۱۴۰۲). مقایسه سبک‌های دلبستگی، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سلامت اجتماعی در افراد وابسته به مواد و افراد بهنجار. *فصلنامه علمی/اعتیادپژوهی*، ۱۷(۱۷)، ۳۳۳-۳۵۱.
- حامدینیا، مهرداد؛ پناغی، لیلی؛ حبیبی، مجتبی و مختارنیا، ایرج (۱۳۹۶). مدل علی تأثیر دلبستگی اضطرابی و اجتنابی بر آمادگی به اعتیاد به مواد مخدر با نقش میانجی نگرش مواد. *فصلنامه علمی/اعتیادپژوهی*، ۱۱(۴۲)، ۱۱۱-۱۲۴.
- حفاظی طرقله، لیلا و نجفی، محمود (۱۴۰۳). رابطه ترومای کودکی با افکار خودکشی در دانش‌آموزان: نقش میانجی ذهنی‌سازی و ذهن آگاهی. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۲۱(۵۶)، ۲۷-۵۱.

شفیعل، معصومه؛ رضایی، فاطمه و صادقل، مسعود (۱۴۰۰). تدوین مدل اجتناب متضاد در افراد مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر. *مجله روانشناسل*، ۲۵(۱)، ۹۸-۱۱۷.

عامرل، نرجس و نجفیل، محمود (۱۴۰۳). اثربخشیل شناخت درمانیل مبتنیل بر ذهن آگاهی بر مولفه های شرم و انگ درونیل در افراد وابسته به مواد تحت درمان نگهدارنده با متادون. *فصلنامه علمی اعتیاد پژوهیل*، ۱۸(۷۳)، ۲۴۱-۲۵۸.

فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۵). *آسیب شناسیل اجتماعی و جامعه شناسیل انحرافات*. تهران: نشر معلم. محمدزاده، علی؛ رضائیل، اکبر و امینیل، محمدحسن (۱۴۰۲). پیش بینیل تاب آوریل بر اساس ترومای کودکیل، آشفتنگی روانشناختیل و دشواری تنظیم هیجان در افراد با مصرف مواد. *فصلنامه اعتیاد پژوهیل*، ۱۷(۶۹)، ۸۶-۶۷.

مدانلو، معصومه و نجفیل، محمود (۱۴۰۲). نقش میانجیل اضطراب و افسردگی در رابطه بین بذر رفتاری کودکیل و علائم وسواسی-جبریل. *پژوهش در سلامت روانشناختیل*، ۱۷(۴)، ۱۷-۳۲.

مرادزاده، شیدا و نجفیل، محمود (۱۴۰۱). پیش بینیل افسردگی بر اساس ترومای کودکیل، تکانشگری و تنظیم شناختیل هیجان در افراد وابسته به مواد. *فصلنامه اعتیاد پژوهیل*، ۱۶(۶۴)، ۲۴۰-۲۱۹.

مودنیل، طاهره؛ آقایی، اصغر و گل پرور، محسن (۱۳۹۳). پیش بینیل سبک های دلبستگی فرزندان بر اساس شیوه های فرزندپروریل والدین. *آموزش و ارزشیابیل (علوم تربیتیل)*، ۷(۲۵)، ۸۷-۹۹. میرحسامیل، شریف (۱۳۸۸). بررسی نقش خانواده در گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد. پایان نامه کارشناسیل روانشناسیل دانشگاه پیام نور.

میرزائیل مقدم، داود؛ شیریل، طهمورث و محسنیل، رضاعلی (۱۴۰۳). معناکاویل سبک زندگی جوانان مصرف کننده مواد اعتیادآور در فرحزاد تهران: مطالعه کیفیل با رویکرد نظریه زمینه ای. *فصلنامه علمی اعتیاد پژوهیل*، ۱۸(۷۱)، ۸۴-۵۵.

نوروزیل، نسیم و نجفیل، محمود (۱۴۰۲). نقش واسطه ای سبک های دلبستگی و عواطف منفیل در رابطه بین ترومای کودکیل با علائم وسواس فکری-عملیل. *مجله روانشناسیل بالینیل*، ۳(۵۹)، ۶۹-۷۹.

References

- Arslan, G., Uzun, K., Güven, A. Z., & Gürsu, O. (2024). Psychological flexibility, self-compassion, subjective well-being, and substance misuse in college students: a serial mediation model. *Journal of Ethnicity in Substance Abuse*, 21(3), 1-22.

- Beck, A. T., Steer, R. A., & Ranieri, W. F. (1988). Scale for suicide ideation: Psychometric properties of a self-report version. *Journal of clinical psychology*, 44(4), 499-505.
- Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., ... & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect*, 27(2), 169-190.
- Burnham, G. (2011). Suicide attacks the rationale and consequences. *The Lancet*, 378(9794), 855-857.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models and relationship quality in dating couple. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-666.
- Darroudi, H., Najafi, M., & Khosravani, V. (2024). Pathways to suicidal risk in patients with OCD: The role of childhood abuse, cognitive vulnerabilities, OCD symptomology, and depression. *Journal of Family Trauma, Child Custody & Child Development*, 21(3), 341-364.
- DawsonRose, C., Shehadeh, D., Hao, J., Barnard, J., Khoddam-Khorasani, L., Leonard, A., ... & Cuca, Y. P. (2020). Trauma, substance use, and mental health symptoms in transitional age youth experiencing homelessness. *Public health nursing*, 37(3), 363-370.
- Erlangsen, A., Khan, M., Su, W., Alateeq, K., Charfi, F., Madsen, T., ... & Saeed, K. (2024). Situation analysis of suicide and self-harm in the WHO Eastern Mediterranean Region. *Archives of suicide research*, 28(3), 760-778.
- Falgares, G., Marchetti, D., De Santis, S., Carrozzino, D., Kopala-Sibley, D. C., Fulcheri, M., & Verrocchio, M. C. (2017). Attachment styles and suicide-related behaviors in adolescence: The mediating role of self-criticism and dependency. *Frontiers in Psychiatry*, 8, 1-9.
- Gross, J. J. (1998). The emerging field of emotion regulation: An integrative review. *Review of general psychology*, 2(3), 271-299.
- Hayre, R. S., Sierra Hernandez, C., Goulter, N., & Moretti, M. M. (2024). Attachment & school connectedness: associations with substance use, depression, & suicidality among at-risk adolescents. *In Child & Youth Care Forum*, 53, 1-24.
- Hazan, P., & Shaver, C. (1987). Being lonely, falling in love. *Journal of Social Behavior and Personality*, 2(2), 105-120.
- Hefazi Torghabeh, L., & Najafi, M. (2025). Explaining the structural model of the tendency toward substance abuse based on childhood trauma in adolescents: the mediating roles of self-compassion and mentalization. *Journal of Research in Psychopathology*, 6(2), 23-30.
- Hoffmann, A., Benzano, D., Ornell, F., Kessler, F. H., von Diemen, L., & Schuch, J. B. (2022). Childhood trauma subtypes may influence the pattern of substance use and preferential substance in men with alcohol and/or crack-cocaine addiction. *Brazilian journal of psychiatry*, 44(4), 416-419.
- Hosseini, K., & Soleimani, E. (2021). The Relationship between Child Abuse and Cognitive Distortions with Clinical Symptoms of Obsessive-Compulsive Disorder: The Mediating Role of Emotion Dysregulation. *International Journal of Behavioral Sciences*, 15(2), 88-95.

- Jiao, J. (2022). *I Came Through You and Belong Not to You: Overparenting, Attachment, Autonomy, and Mental Health at Emerging Adulthood*. In: The University of Arizona.
- Johnson, S. (2022). *Effects of Peer Relationships on the Relationship between Avoidant Attachment and Romantic Intimacy among Adolescents* University of the Pacific.
- Kelly, K. R. (2018). Maternal autonomy support and dyadic verbal synchrony during narrative coconstruction: Links with child attachment representations and independent narrative competence. *Infant and Child Development*, 27(3), e2074.
- Khosravani, V., Nikčević, A. V., Spada, M. M., Samimi Ardestani, S. M., & Najafi, M. (2024). The Independent Contribution of Positive and Negative Metacognitions About Smoking to Urge to Smoke, Withdrawal Symptoms and Dependence in Smoking-Dependent Men. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 31(4), e3024.
- Kiefer, R., Goncharenko, S., Forkus, S. R., Contractor, A. A., LeBlanc, N., & Weiss, N. H. (2023). Role of positive emotion regulation strategies in the association between childhood trauma and posttraumatic stress disorder among trauma-exposed individuals who use substances. *Anxiety, stress, & coping*, 36(3), 366-381.
- Lipson, S. K., Lattie, E. G., & Eisenberg, D. (2019). Increased rates of mental health service utilization by US college students: 10-year population-level trends (2007–2017). *Psychiatric services*, 70(1), 60-63.
- Lorzangeneh, S., & Esazadegan, A. (2022). The role of early maladaptive schema domains and childhood trauma in predicting cognitive distortions. *Journal of Research in Psychopathology*, 3(8), 1-8.
- Lotzin, A., Grundmann, J., Hiller, P., Pawils, S., & Schäfer, I. (2019). Profiles of childhood trauma in women with substance use disorders and comorbid posttraumatic stress disorders. *Frontiers in psychiatry*, 10, 674-680.
- McLoughlin, A. B., Gould, M. S., & Malone, K. M. (2015). Global trends in teenage suicide: 2003–2014. *QJM: An International Journal of Medicine*, 108(10), 765-780.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment, Caregiving, and Parenting. In O. Taubman – Ben-Ari (Ed.), *Pathways and Barriers to Parenthood: Existential Concerns Regarding Fertility, Pregnancy, and Early Parenthood* (pp. 305-319). Springer International Publishing.
- Nakhoul, L., Obeid, S., Sacre, H., Haddad, C., Soufia, M., Hallit, R., ... & Hallit, S. (2020). Attachment style and addictions (alcohol, cigarette, waterpipe and internet) among Lebanese adolescents: a national study. *BMC psychology*, 8, 1-10.
- Nia, A. B., Weleff, J., Fogelman, N., Nourbakhsh, S., & Sinha, R. (2023). Regular cannabis use is associated with history of childhood and lifetime trauma in a non-clinical community sample. *Journal of psychiatric research*, 159, 159-164.
- Ogasawara, H., Japan, D. C., & Indonesia, M. (2000). WHO guidelines for the regulatory assessment of medicinal products for use in self-medication. *WHO Drug Information*, 14(1).

- Rahmani, S., Aahmadi, A., & Sharifi Chalgeh, F. (2019). Predicting the Relationship between Attachment Styles and Inclination towards Drug Use among Boy Students in Farhangian University of Kurdistan. *Teacher Professional Development*, 4(3), 57-66.
- Ravitz, P., Maunder, R., Hunter, J., Sthankiya, B., & Lancee, W. (2010). Adult attachment measures: A 25-year review. *Journal of psychosomatic research*, 69(4), 419-432.
- Sadat Saatchi, H., Tizdast, T., & Rahmani, M. A. (2024). The model for explaining the addiction attitude of clients who are quitting based on emotion regulation strategies and attachment styles with the mediating role of ego capacity. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, 5(1), 67-77.
- Schindler, A., & Bröning, S. (2015). A review on attachment and adolescent substance abuse: Empirical evidence and implications for prevention and treatment. *Substance Abuse*, 36(3), 304-313.
- Simard, V., Moss, E., & Pascuzzo, K. (2011). Early maladaptive schemas and child and adult attachment: A 15-year longitudinal study. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 84(4), 349-366.
- Su, S. J. B., & Yen, S. T. (2000). A censored system of cigarette and alcohol consumption. *Applied Economics*, 32(6), 729-737.
- Wang, M., Kou, C., Bai, W., Song, Y., Liu, X., Yu, W., ... & Li, W. (2019). Prevalence and correlates of suicidal ideation among college students: a mental health survey in Jilin Province, China. *Journal of affective disorders*, 246, 166-173.
- Wingenfeld, K., Schaffrath, C., Rullkoetter, N., Mensebach, C., Schlosser, N., Beblo, T., ... & Meyer, B. (2011). Associations of childhood trauma, trauma in adulthood and previous-year stress with psychopathology in patients with major depression and borderline personality disorder. *Child abuse & neglect*, 35(8), 647-654.